



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی - سوالات

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

۲ شنبه ۷ تیر ماه ۱۳۲۷

دیر: سید محمد شامی

سال چهارم - شماره ۹۷۹

صفحه ۳۱۶۱

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۵۸۹

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱- بقیه صورت مشروح مذاکرات هفتاد و هشتمین جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۱۰
- ۸- آگهی های رسمی ۱۱

مذاکرات مجلس

جلسه ۷۸

صورت مشروح مجلس روز پنج شنبه سوم تیر ماه ۱۳۲۷ خورشیدی

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- مذاکره در بقیه پیشنهادها راجع به یکصد و ازدهم
- ۳- طرح برنامه دولت
- ۴- موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و بیست دقیقه بیش از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس

صورت مجلس سه شنبه یکم تیرماه را آقای فولادوند (منشی) بشرح زیر قرائت نمودند

دکتر طبیب - موسوی - عبدالرحمن فرامرزی - سزاوار - صادقی - مشایخی - سالار بهزادی - دیرآمدگان بی اجازه - آقایان: محمد حسین فشقانی - بیات - حسن اکبر - اعظم زنگنه - دماوندی - تولیت - آقاخان بختیار - محمد علی مسعودی - دکتر آشتیانی - مسعود تابتی - اسدی - کبهد

آقای امیر تیمور اظهار نمودند که مجلس باید قانون را رعایت نکند نمایندگان نمیتوانند پیشنهاد خرج کنند یا دولت باید پیشنهاد نماید یا کمیسیون بودجه و جلسه گذشته خلاف ترتیب و بی سابقه بوده است

یکساعت و چهل دقیقه بظهر روز ۳ شنبه اول تیر مجلس بریاست آقای رضا حکمت تشکیل و صورت جلسه پیش قرائت شد

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است:

غائبین با اجازه: آقایان: دادور - اورنگ - اخوان - نراقی - قوامی - ملک پور - ناصری - بهار - شریعت زاده - شهاب خسروانی

غائبین بی اجازه: آقایان: غضنفری - حسین وکیل - نیکپور - خوبیلر - عباسی - افشار - عرب شیبانی - صفا امامی - عدل اسفندیاری

دیرآمدگان با اجازه: آقایان: دکتر اعتبار دکتر راجی - سلطانی - دکتر معظمی - منصف

ایران گفتند از تاریخ تصویب قانون مخصوص بازرگانان داخلی خواهد شد

آقای دکتر معظمی اظهار نمودند رأی اکثریت محترم است نهایت در حدود مقررات مجلس و صورت مجلس تصویب شد

آقای تقی زاده شرح مبسوطی از اوضاع پریشان آذربایجان بعلل انسداد راه تجارت و مهاجرت متمولین و ملاکین آذربایجان به تهران و محرومیت رعایا و بزرگان آذربایجان و شهرستانهای دیگر از عدالت اجتماعی و نمره دسترنج خودشان بیان داشته اظهار عقیده نمودند که چون صد در صد اقتصاد کشور در تهران مرکزیت یافته موجب تخریب شهرستانها شده است باید در طریق روابط رعیت و مالک و نشر معارف و رفع محدودیت های سیاسی و شمول قفو عمومی نسبت بتمهین و محبوسین و تبعید شدگان بشرط آنکه مرتکب قتل نفس و نهب اموال نشده باشند اقدام فوری بعمل آید و نیز برای تخفیف فقر عمومی آذربایجان متمولین سرمایه های خود را برای کارهای عام المنفعه در محل بکار اندازند و راه تجارت آذربایجان مفتوح گردد و قسمتی از سهمیه واردات با ارز دولتی بانجا داده شود و نیز مأمورین صحیح العمل با اختیارات لازمه و توقف ممتد و مراقبت مستمر در بهداشت اهالی و دفع آفات نباتی و تهیه کتب درسی در مرکز آذربایجان کوشش فوق العاده ابراز نمایند و بالاخره در آزادی انتخابات مهاباد و انجمنهای بلدی روشی اتخاذ گردد که بسپاست

● عین مذاکرات مشروح هفتاد و هشتمین جلسه از دوره پانزدهم قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

داخلی و خارجی کشور زبانی وارد نشود
آقای رحیمیان اظهار داشتند روز ۲۷ خرداد
 جمعی از مردمان این کشور قرآن بدست گرفته
 آمدند بطرف مجلس شورای ملی که مطالب خود را
 بر عرض نمایندگان برسانند آنها را ب مسلسل بستند
 و زخمی کردند این عمل غیر قانونی بوده و موجب
 کمال تأسف است و مسیحین باید تعقیب و محاکمه
 شوند و راجع به حکومیت خسرو روزبه در دادگاه
 تجدید نظر گفتند اگر کسی خیانتی کرده باشد
 دفاع نمیتوان کرد ولی اگر یک نفر دانشمند یا احساسات
 از اوضاع کشور مجبور بانقاد شده باشد او را نباید
 خفه کرد. در کشور دمکراسی عقیده باید آزاد باشد و
 روی اصول گفتن و نوشتن این آزادی اعمال میشود پس
 در پاسخ بیانات آقای ابوالقاسم امینی راجع به فروش
 پنج هزار گوسفند بشورویها با اشاره با اوضاع وقت
 و وجود قشون متفقین در کشور و عمل دولت در تأمین
 احتیاجات آنها بالاخص اوزاق گفتند این اعتراض
 وارد نیست و نیز در قبال نسبت کمونیستی که ایشان
 داده شده اظهار نمودند طبقه حاکمه و ما که خود
 جزء آنها هستیم باید قانون اسلام را که بهترین رویه
 کمونیستی است اجرا کنیم.
آقای ابوالقاسم امینی اظهار عقیده نمودند که
 وقت مجلس نباید بنا کرات خصوصی تلف شود و
 راجع به یواید خانواده خود و مالیات بردر آمدنی که
 باید پرداخته باشند گفتند بر طبق قانون ملیسیونه ششاد
 هزار تومان هم اضافه داده اند.
درین موقع آقای هژیر نصحت وزیر هیئت دولت
 را بشرح زیر معرفی نمودند.
تیمسار سید امیر احمدی وزیر جنگ - آقای
 خلیل فهیجی وزیر کشور - آقای امان الله اردلان
 وزیر دارائی - آقای مصطفی عدل وزیر مشاور
 آقای نوری اسفندیاری وزیر امور خارجه -
 آقای نادر آراسته وزیر پست و تلگراف - آقای
 دکتر اقبال وزیر فرهنگ - آقای جواد بوشهری
 وزیر کشاورزی - آقای دکتر عباس ادهم وزیر
 بهداری - آقای نظام مافی وزیر دادگستری - آقای
 جمال امامی وزیر مشاور - آقای دکتر فخرالدین
 شادمان وزیر اقتصاد ملی اضافه نمودند که وزیر راه
 بعداً معین میشود و تا ورود وزیر دارائی بتهران
 شخصاً بامور وزارتخانه رسیدگی خواهند نمود پس
 برنامه عمل دولت را در سیاست خارجی با متابعت صریح
 وصمیمانه از منشور ملل متحد و در سیاست داخلی با
 تأمین امنیت مملکت و تثبیت قدرت دولت و تعدیل امر
 معاش عامه مشروحاً قرائت و تقاضا نمودند در تصویب
 لوایحی که تا کنون تقدیم مجلس شده تسریع شود و
 نیز آقای نصحت وزیر در باب اوضاع چند روز
 اخیر گفتند اصل مشروطیت روی اکثریت است
 و اکثریتی بطور مخفی نسبت به نصحت وزیری
 ایشان ایرازت تامل کرده و این رأی برای عموم افراد
 مملکت متبع است و اقلیت حق اعمال نفوذ ندارد
 هر گاه در این موقع ایجاد اختلال و هرج و مرج
 شود دولت با تمام اختیارات قانونی که دارد باید
 ایستادگی و جلوه گیری نماید
مقارن ظهر مجلس سخاتمه یافت و بروز شنبه
 سوم تیر موقع مقرر معول گردید

را انهایه برای مردسته تکالیفی معین شده حال اگر
 اشخاص یا بعضی از آنها بوظیفه منتهی خود عمل نمی
 کنند این نقص قانون اسلام نیست مثلاً بایستی خمس
 و زکوة بدهند نماز بخوانند روزه بگیرند بیای مردم
 چشم نداشته باشند یا در واقع لازم جهاد نمایند در
 صورتی که در قانون مربوط بسلام و قوانین کمونیستی
 این شباهت موجود نیست و از همه مهمتر آنکه
 قانون اسلام قانونی است که از طرف خداوند بوسیله
 محمد برای بندگان نازل شده در صورتیکه کمونیستی
 یا فاشیستی و غیره از طرف افراد ناس وضع شده
 است و باینجهت نمیتوانند بایکدیگر شباهت داشته
 باشند چون بعقیده بنده در یک مملکت اسلامی
 بسیار بعید است که یکی از وکلا این نوع حرف
 بزند این بود که جریان را بر عرض آقایان محترم
 رسانیده و از آقای رحیمیان تمنا میکنم من بعد این
 قبیل قیاسهای مع الفارغ را نفرمایند.
رئیس - آقای رحیمیان - بنده هیچ وقت عرض نکردم
 که طریق کمونیستی را اجرا بکنیم یا ما هم همان
 کمونیستی است من هیچوقت این حرف را نزد و گمان
 میکنم برای آقای فولادوند نماینده محترم اشتباهی
 رخ داده من عرض کردم که مذهب ما بهترین مرام
 برای ما است و اگر ما طریق مذهب خودمان را
 اجرا بکنیم بهترین طریق مذهب خودمان است
نمایندگان - احسن احسن
۳- مذاکره در بقیه پیشنهادها راجع
به یک دوازدهم
رئیس - پیشنهادی از آقای مهندس رضوی
 رسیده است که قرائت میشود.
 مقام ریاست مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم
 قبل از شروع بطرح برنامه دولت راجع بدو
 تبصره پیشنهادی این جانب در خصوص معافیت وسایل
 لابراتوارهای دانشگاه و کتاب از گمرک
مهندس رضوی - بنده از آقایان محترم تقاضا
 میکنم که مخالفت نفرمایند و این تقاضای بنده منحصر
 بیک رأی است (صحیح است) استدها می کنم
 یک مرتبه قرائت شود.
رئیس - در جلسه پیش پیشنهاد ایشان مورد
 مذاکره قرار گرفته فقط رأی مانده بود که اکثریت
 نبود و اعلام رأی هم شده حال مجدداً قرائت میشود
 پیشنهاد میکنم تبصره های مربوط بمعافیت ماشین
 آلات و لوازم لابراتوارهای دانشگاه و همچنین
 معافیت کتاب از گمرک که در ماه قبل مورد قبول
 کمیسیون بوده و واقع گردیده بود عیناً ضمیمه قانون
 یک دوازدهم خرداد ماه شود
رئیس - پیشنهاد اصلاحی آقای دکتر شفق
 قرائت میشود:
 کتابها و مطبوعات که از خارجه وارد میشود یا
 از داخله بخارجه فرستاده میشود از پرداخت هر گونه حق
 گمرک و هوارض معاف خواهد بود بدیهی است نسخ
 خطی و نظایر آن که قانون خاصی دارد مشمول این
 تبصره نخواهد بود (صحیح است)
مهندس رضوی - این اصلاح را بنده قبول
 کرده بودم
رئیس - با ضمیمه شدن این قسمت در پیشنهاد
 آقای دکتر شفق پیشنهاد آقای مهندس رضوی رأی

گرفته میشود (صفوی - نظر دولت باین معلوم نشود)
 آقایانی که موافقت با این پیشنهاد قیام میکنند
 (اکثر برخاستند) تصویب شد پیشنهادی هم آقای
 ارباب کرده اند ولی پیشنهاداتی خیلی زیاد است
 پیشنهاد آقای ارباب قرائت میشود
 مقام ریاست محترم مجلس شورای ملی پیشنهاد
 میکنم قبل از طرح برنامه دولت پیشنهادات در دستور
 قرار گیرد
رئیس - امروز برای طرح برنامه معین شده
 است (صحیح است) و پیشنهادها هم زیاد است یک
 جلسه دو جلسه نمیشود من از آقای ارباب میخواهم
 که خود آقای ارباب موافقت کنند که بماند برای
 جلسات بعد
ارباب - بنده موافقت میکنم و یک
 تذکری هم عرض می کنم و آن این است
 که پیشنهاد هائی که قبلاً داده ام و حالا داده ام در
 اطراف آن توضیح بدهم ولی باینحال بنده میگذارم
 برای جلسه بعد (صحیح است)
صفوی - بنده اخطار نظامنامه ای دارم
رئیس - بر طبق چه ماده ای ، ماده اش
 را بفرمائید
صفوی - در مسائل مالی باید با ورقه رأی
 گرفته شود این پیشنهاد جناب آقای مهندس رضوی
 هم مربوط بامور مالی بود باید با ورقه رأی
 گرفته شود
۳- طرح برنامه دولت
رئیس - آن رأی نهائی است آقای صفوی
 سرکار که بصیر نیستید در نظامنامه اظهاری نفرمائید
 تبصره با قیام و نمود و رأی نهائی با ورقه گرفته
 میشود هنوز رأی نهائی گرفته نشده است میماند
 برای بعد برنامه دولت مطرح است (صحیح است) آقای
 حائری زاده
حائری زاده - من همیشه عقیده داشتم در
 اختصاص مطالب تا وقت مجلس را زیاد نگیرم و
 برای گفتن مطالب هم آن را واجب کفائی می
 دانستم که اگر یک نفر گفت لازم نیست دیگری هم
 تظاهر بکند ، حال مزاجی من هم هیچ مقتضی نبود
 ولی چون مسئولیت نمایندگی مرا مجبور کرد که
 بیایم اینجا و یک موضوعاتی که لازم است گفته شود
 بگویم ، من برای آن مطالبی که باید عرض بکنم
 چون حافظه زیادی ندارم یک مقدمه ای نوشتم آن
 مقدمه را قرائت میکنم و اگر در وسط آن یک توضیحی
 لازم بود خواهم داد
 یکی از بزرگان اروپا میگویی تاریخ مبارکست
 از سیر تکامل بشر از استبداد بطرف آزادی هر
 اندازه بر هر بشر افزوده شود و در پیشرفت علم
 و تمدن کوشیده شود بازار آزادی رابرج تر گردیده
 و روح خودسری و استبداد و حکومت قلداری و
 زورگویی که آثار دوره توحش و بربریت میباشد
 کمتر میگردد ، یکی از فلاسفه گفته است هر جا
 که آزادی است وطن من است و وطن وحیات را با
 آزادی مساوی دانسته است . مسلم آنهایی که می
 خواهند جلو پیشرفت سیر تکاملی فکر بشر را گرفته
 و سد راه آزادی عقاید و افکار گردند جز آهن
 سرد کوبیدن باس و حرمان و شکست خوردن نتیجه ای
 آثار آن کشیده میشود صریحاً گوشزد نموده و توجه

نخواهند گرفت چرا ؟ برای آن که بشر حیات
 را برای آسایش و آرامش زندگانی مادی و معنوی
 میخواهد و تجربه عیلا ثابت نموده است در محیطی
 که آزادی وجود نداشته باشد انسان امنیت و مالی
 نداشته باشد نمی تواند از زندگانی خود بهره مند
 گردد . تاریخ بشر بهترین گواه این مدعی است و
 زندگانی بیست ساله حکومت رضا خانی که تمام
 بخاطر دارنده بهترین شاهد صدق این بیان است .
 آقایان نمایندگان مسلم هیچکدام از شماها فراموش
 نفرموده اید که در حکومت دیکتاتوری و تارک گذشته
 (آقایانی که در آن موقع سمت نمایندگی داشته اند
 طرف خطاب بنده هستند) با وجودیکه نماینده مجلس
 بوده و یک نماینده در حکومت مشروطه مصونیت
 پارلمانی داشته و حاکم بر تمام مقدرات کشور میباشد
 چگونه در نتیجه وجود حکومت استبدادی خوددستی
 آدمی آسایش و آرامش نداشته مقدرات خود را
 در دست یک پلیس یا مأمور سری تأمینات میدانستند
 مگر آقایان فراموش کرده اند آن دوره تاریک
 وحشت ناکی که نه شب داشتیم و نه روز نه خواب
 داشتیم نه بیداری من نمی دانم آنهایی که صدمه حکومت
 گذشته را دیده و حتی سالهای متعادی در سیاه چال
 های زندان بدترین و خفیف ترین و موهن ترین
 وضعی گذرانیده اند چگونه حاضر می شوند بدست
 خویش وسایل ایجاد حکومت گذشته را فراهم سازند
 آقایان بخاطر بیاورید دوران تاریک و پراضطراب
 سالهای قبل از شهریور ۱۳۲۰ را که چگونه مقدرات
 تمام شما و یک ملت ۱۵ میلیونی در دست یک فردهای
 مطلق العنان افتاده و هر وقت اراده مینمود و هر کاری
 میخواست نسبت بتمام شما انجام میداد نه امنیت مالی
 داشتید نه چانی نه خودتان در راحت و آسایش
 بودید و نه قایل و خانواده تان پس بیائید لااقل اگر
 برای حفظ خود و آسایش خانواده تان هم شده است
 از گذشته عبرت بگیرید و دیگر حاضر نشوید آن
 دوره وحشتناک تجدید کرد ، هر چند من معتقدم
 همانطوری که ایجاد دوره گذشته بواسطه اوضاع
 بین المللی و سیاست خارجی آتزمان بوده است عدم
 پیدایش چنین اوضاع تاریک و رقت باری هم اوضاع
 کنونی دنیا و آینده جهان و تصادم سیاست های
 مخالف و موجهای متضاد ایجاد میکنند آن دوره
 گذشت آن سبب بشکست و آن بیبانه ریخته ، دیگر
 آنهایی که خواب دیکتاتوری می بینند باید این آرزو
 را بگور ببرند (دهقان - پس شما از چه میترسید)
 حالا عرض میکنم معال است با وضع فعلی دنیا و
 تشنجات بعدی که بین ملل حکمفرما است حکومت
 سابق و مطلق العنانی در گوشه از دنیا ایجاد نمود
 چه رسد بکشور ما که مرکز تصادم این سیاست ها
 بوده و هر آن این امواج خسروشان متضاد
 یکدیگر را خنثی نموده و آثار آن را از
 بین میبرند بهر حال من برای ثبت در تاریخ
 وظیفه ایست که بعهده خود دارم لازم می دانم
 آنچه راجع باین موضوع میتوانم توضیح داده همکاران
 گرامی خود را باین موقع حساس و نقشه های ماهرانه
 ای که دوزیر پرده برای خفه کردن آزادی و معو
 آثار آن کشیده میشود صریحاً گوشزد نموده و توجه

آقایان نمایندگان را باین موضوع که مسلم در سر نوشت
 آینده ما حتی دنیا تا بیر بسزائی خواهد داشت جلب
 نمایم آقایان اول باید شخص دادگ سبستم و شکل
 حکومت ایران چیست ؟ آیا حکومت ایران حکومت
 مشروطه و دموکراسی است یا حکومت شخصی و قلداری
 ما خوب میدانیم که ایران چندین هزار سال با حکومت
 فردی اداره میگردد ولی در نتیجه تحولات اجتماعی
 و ترقیاتی که بشر در پیشرفت علم و صنعت نصیبش گردید
 و در تمام شئون زندگانی او تغییرات شگرفی حاصل
 آمد در وضع حکومت و اداره کشور خود نیز تجدید
 نظر نموده و بجای حکومت فردی و خود سری که
 تابع امیال و هوسهای یک فرد بخصوصی بود حکومت
 مشروطه که مبتنی بر عقل و منطق و اراده ملت میباشد
 جایگزین نمود و مانیز که جزئی از دنیا بودیم بیروی
 و استفاده از این تحولات در سال ۱۳۲۴ قمری حکومت
 فردی را بحکومت قانون تبدیل و در چهل و سه سال
 قبل همد نامه بین ملت ایران و سلطان وقت منعقد شد
 و حدود هر یک تشخیص گردید .
 مسلم است که اساس حکومت فردی بر روی
 اساس زور و قلداری و امر و اراده فرد واحد بوده
 چنانکه هنوز صدای (چو فرمان یزدان چو فرمان
 شاه) در گوش این توده رنجبر طنین انداز است و
 اساس ترقی و پیشرفت در چنین حکومتی بر پایه تملق
 و چاپلوسی و تعظیم و تکریم های بی مورد استوار بوده
 و با بد آفضلیت و تقوی و لیاقت و شخصیت و اعتماد بنفس
 و سایر ملکات اخلاقی مورد توجه واقع نمیشود برعکس
 در حکومت دمکراسی که پایه آن بر اصول آزادی -
 های فردی و رعایت قوانین و مقررات و اصول انسانیت
 است همیشه مملکت پیشرفت و ترقی افراد شخصیت و پیشکار
 و اعتماد بنفس میباشد
 اگر امروز حکومت فردی و قلداری در مملکت
 ما موجود می باشد حساب بنده با شما ها تفریق
 میشود و باید با کسانی که در مقابل اراده محمد علی
 میرزا و سیلاخوری و قزاق مقاومت کرده همکاری
 نموده و وارد جنگ مبارزه شویم و حتماً فتح با صف
 آزادی و اراده ملت است زیرا که امثال هیتر که
 مثل رضا خان حکم میکنند شمار خود قرار داده
 بودند معو و نابود شده و پس از این همه تلفات بشری
 در جنگ اول و دوم دنیا زیر بار حکومت فردی و قلداری
 نخواهد رفت (صحیح است)
 اگر رژیم ایران حکومت دموکراسی است
 و اراده اکثریت ملت باید حکومت کند و پایه آن بر
 روی اراده اکثریت ملت استوار و ملک ترقی و
 پیشرفت فضلت و تقوی و وصحت عمل باشد باید زمام
 حکومت در دست کسی باشد که واجد آن صفات باشد
 مخالفت من با نصحت وزیری آقای هژیر شایدروی
 اغراض شخصی و خصوصی نبوده و جز پیروی از
 اصول دمکراسی و رعایت قوانین و حفظ آزادی
 که تنها هدف بشر میباشد معرک دیگری نداشته باشد
 نه من با آقای هژیر سابقه خصومت داشتم و نه در
 هیچ مقام و موقعی با ایشان اصطکاک منافع داشتم
 که خواسته باشم حسابهای گذشته خود را تصفیه
 نمایم پس علت مخالفت من با آقای هژیر چیست ؟
 البته بعضی از دوستان و رفقای من این چند روز
 فشار آقای هژیر بر من فشار آورده اند که شما اگر
 ساکت شوید ممکن است به ما که شخص ناک هستیم

ممکن است مقام وزارت به بعضی ها داده بشود من حساب کردم دیدم اعتماد به کابینه نیست راست است عمل داشتم افراد حسابی در کابینه باشد و بعضی از افراد این کابینه اعتماد دارم ولی وقتی که اعتماد بر رئیس کابینه ندارم من نمی توانم چشم پوشی از این حقیقت بکنم .

من عقیده دارم ایرانی که زود و جاسوس اجنبی شد خواه اجنبی روس باشد یا انگلیس و فرانسه باشد یا امریکا طرف احترام جامعه نیست و از نظر ملیت شخصی نیست و نوکر بیگانه شمرده میشود من معتقدم که اگر کسی خدمت شخصی را قبول کرد خواه آن کس مسلم خواه غیر مسلم خواه ایرانی باشد خواه بیگانه نباید بخود خود خیانت ورزد و اگر خیانت نمود جامعه چنین شخصی را خائن و غیر قابل اعتماد میدانند . (باتماقلیج - در این مورد که مصداق پیدا نمی کند) عرایض من تمام بشود بعد (حاذقی - یک کلیاتی مقصود ایشان است) . حکومت ایران که ظاهراً دمکراسی است اشخاصی که صاحب فضیلت و تقوی و ایمان بوده و مورد اعتماد میباشند و نفع شخصی را بر نفع عموم ترجیح نمیدهند باید زمام امور دست آنها سپرده شود ماها که بنام نمایندگان ملت در اینجا جمع شده و بقرآن مجید قسم خورده ایم که نسبت باین کشور خیانت نورزیم باید کسی را مأمور حکومت نماییم که گذشته و روشنی داشته و اطمینان داشته باشیم که از وجود او میتوان نفع آبادی و آزادی کشور استفاده نمود (حاذقی - آنها می گوید که آری دادند به همین عقیده رای دادند) (اقبال - بگذارد صحبت کنند بعد شاهها هم حرف بزنید) . آقایان . آقای وزیر را خودم در منزل مرحوم مدرس میتوان قاصدی و بیغامبری شومانیسکی سفیر روسیه کرا را دیده ام و ایشان از خدام طرف اعتماد روسها بودند در اداره روزنامه طوفان که مخارج آن را روسها کمک می کردند زیاد حضور بهم میرسانند و برای سفارت روسیه انجام وظیفه مینمودند این مطالب تهمت نیست مسموعات نمی باشد بچشم خود خدمتگزاری آقای را دیدم (بین اسفندیاری - آقا چشمتان فرق کرده) عجالت ضعیف شده مجبورم عینک بگذارم بعد که حکومت رضاخان دست روسها را کوتاه کرد و سیاست یک طرفه را انجام داد هر کسی زبان روسی میدانست یا از روسیه عبور کرده بود تحت نظر و توقیف شهربانی بود و کارهای ایران بانظرو مشورت جنوبی ها انجام میشد در نتیجه انجام وظیفه آقای وزیر در سفارت روس نفع جنوبی ها با مقامات عالی دولتی نائل گردید البته جنوبی های ما همیشه از کیسه خلیفه می بخشند بخدمتگذارهای خودشان مقامات و صنعتی های ما از این رعیت بد بخت که باید آنها را اداره کنند می بخشند . (بین اسفندیاری - مگر وزیر آنها منشی سفارت بوده کسی دیگر نبوده؟) بنده هم همین را عرض میکنم . . . (باتماقلیج - اساساً منشی بودن دلیل خیانت به مملکت نمیشود آقا) بهر حال ایشان با زرد سبانک ملی ایران شدند که روی اسکناس ها امضای ایشان هست من نباید آن را دلیل بیادرم و وجوهای شاه سابق با اطلاع ایشان تبدیل باسماز و از کشور خارج گردید و اسماز ایران اگر کنترل شود معلوم میشود چقدر ثروت و سرمایه از ایران خارج شده است با اطلاع و نظارت ایشان و عمل ایشان آیا من میتوانم با داشتن این اطلاعات و آنچه از خارج اطلاع میرسد بجناب آقای وزیر اعتماد

کنم مگر آذربایجان این مملکت قعاست آقایان چون سوابق خیلی از اشخاص را نمیدانم ممکن است فعل مسلم داخل بر صحت کرده اعتماد نم ولی شخصی را که خوب میشناسم خیانت میدانم ایشان را طرف اعتماد قرار دهم از گذشته آقای وزیر در ولی که نزدیکانگان بفتح بیگانه دیگری بازی کرده و مزدش را هم کبکی از حساس ترین مقامات این کشور بود گرفت بگذریم ولی آیا میشود شخصی که در مدت دو سال حکومت خود سری و دوره فترت سمت وزارت دارائی داشته و بودجه کشور و دخل و خرج مملکت که زیر دست او قرار گرفته بود خسارات فیر قابل جبرانی وارد آورده که معلوم نیست کی و چگونه بتوان آنرا جبران نمود آن اندازه تصویب نامه های مالی و خلاف قانون بفتح طبقه حاکمه و سرمایه دار وضع و بورد اجراه گذارد چگونه میتوان او را در رأس حکومت قرار داد . من مطمئنم که اگر آقای وزیر در جای دیگر دنیا با داشتن چنین پست بانجام اعمال بی رویه و خلاف قانون مبادرت میورزید پادشاه او نمیدانم چه بود ؟ کرسی نخست وزیری نبود .

از تمام گذشته ایشان نیز بگذریم و به ملیت چند روز و اخیر مشارالیه توجه نمایم کافی است که بکلی سلب اعتماد و اطمینان از حکومت ایشان بشود زیرا هنوز آقای وزیر کابینه خود را تعیین و معرفی ننموده و رأی اعتماد نگرفته و کاملاً برمسند صدارت مستقر نگردیده است مولکین بنده و شاهها ، توده حقیقی کشور را بمسلسل بسته و عملاً ثابت کردند که آزادی و دمکراسی در قاموس ایشان معنی و مفهومی ندارد و کسانی که تابع حکومت ایشان و امیال اربابان او نمیشاند حق حیات نداشته و سزای آنان گلوله گرم است .

صرف نظر از اعتماد و عدم اعتماد چون راجع باصول امور مملکت مقتضی است در موقع طرح برنامه صعبت بشود عرض میکنم دولت بیش از یک ناظر خرجی نیست طریقه عمل ناظر خرج چیست ؟ ناظر خرج موظف است اولاً صورت مخارج را معلوم کرده از تصویب ارباب خود و یا وکلای ارباب خود بگذرانند و برای اجرای دستور ارباب خود مطالبه وجه کند هر محلی برای تأمین مخارج معلوم شد مقتضی است ناظر خرج عایدات را وصول کرده مخارج را طبق دستور بنماید این اصل وظیفه دولت است و ماها که بنمایند کمی مردم آنها این مردم بدبخت اینجا آمده ایم این آقایان ناظر خرج هستند اینها باید بگویند که ما این خرج را داریم و این خرج را شما تصویب بکنید لازم است یا لازم نیست ما باید در این موضوع اظهار نظر بکنیم محل اینها را مثل هر مباشر و اربابی که میآید بپولوی اربابش که مثلا از اجاره حسین آباد چهار خروار گندم وصول میشود یا از دکان بازار کجا مثلا ۵۰ تومان عایدی مستفل داند این بودجه ای که میآورند آیا تکصافو میکند یا نمیکند ارباب هر چه بپوش اجاره داد همان کار را باید بکند او حق ندارد برود از پیش خود یک سکار هائی انجام بدهد و بر خلاف دستور اربابش غیر از ناظر خرج که وظیفه او است چیز دیگری بدهد .

در بعضی ممالک شنیدم که از عایدات قمار بودجه مملکت تأمین میشود ، مردم آزادند در کسب

و کارشان ولی بیمارهای دنیا سرمایه دارانی که هستند می نشینند و قمار میکنند و آنها کاسه کوزه داری میکنند و بودجه مملکت را تأمین میکنند .

قمارخانه ها بودجه مملکت را از این محل تأمین میکنند البته در آن مملکت قمار جایز است ، مباح است ولی در مملکت ما که قمار حرام است نمیدانم دولت چرا اجازه میدهد سازمان خدشات شاهنشاهی بانک کشاورزی از محل فروش بلیط قمار عایداتی تحصیل بکنند و اخلاق جامعه را فاسد بکنند ؟ من نمیفهم این مطلب چیست ، مملکتی که اسلامی است قمار قاعده حرام است (صحیح است) ولی در مرکز اصلی مملکت مد شده است و در بازار تمام مردم بدبخت هم می بلیط میخرند و جیب مردم را خالی میکنند ، و آن مردمی که ماهی ۵۰ تومان عایدشان میشود تمام را به خرید بلیط میدهند ! (این جمله معترضه بود و مربوط به محبت امروز ما نبود اینجا صحبت قمار در میان آمد و من بلیط های سازمان یادم آمد) آقایان عایدات مملکت و قوانین مالیاتی آن باید شکلی باشد که مانع آبادی نباشد و در موقع وصول اسباب زحمت نباشد بلکه ممکن است از بعضی از عایدات برای تشویق آبادی چشم پوشید که دستگاه تولید تقویت بشود ، صادرات ایران زیاد بشود ، این فقر و فلاکت که ملت ایران را نابود خواهد کرد از میان برود . (باتماقلیج - با بودن منفی بانها غیر ممکن است) در دوره ششم من نظرم هست که یک طرح قانونی آوردم ب مجلس اصناف را از پرداخت مالیات معاف کردیم در صورت مجلس دوره ششم آقایان اگر مراجعه بفرمایند معلوم میشود اسم تمام اصناف مملکت هست از بزاز و رزاز و پینه دوز و بقال و سایر برای اینکه مأمورین دولت مردم را اذیت نکنند ، مردم را تحت فشار قرار ندهند ، آقا برای مردم درست نکنند مردم آزاد باشند در کسب و کار و آراه و عقیده خودشان نظرم هست همان اوقات یکی بین گفت که این برای انتخابات ناظر خرج موظف است اولاً صورت مخارج را معلوم کرده از تصویب ارباب خود و یا وکلای ارباب خود بگذرانند و برای اجرای دستور ارباب خود مطالبه وجه کند هر محلی برای تأمین مخارج معلوم شد مقتضی است ناظر خرج عایدات را وصول کرده مخارج را طبق دستور بنماید این اصل وظیفه دولت است و ماها که بنمایند کمی مردم آنها این مردم بدبخت اینجا آمده ایم این آقایان ناظر خرج هستند اینها باید بگویند که ما این خرج را داریم و این خرج را شما تصویب بکنید لازم است یا لازم نیست ما باید در این موضوع اظهار نظر بکنیم محل اینها را مثل هر مباشر و اربابی که میآید بپولوی اربابش که مثلا از اجاره حسین آباد چهار خروار گندم وصول میشود یا از دکان بازار کجا مثلا ۵۰ تومان عایدی مستفل داند این بودجه ای که میآورند آیا تکصافو میکند یا نمیکند ارباب هر چه بپوش اجاره داد همان کار را باید بکند او حق ندارد برود از پیش خود یک سکار هائی انجام بدهد و بر خلاف دستور اربابش غیر از ناظر خرج که وظیفه او است چیز دیگری بدهد .

در بعضی ممالک شنیدم که از عایدات قمار بودجه مملکت تأمین میشود ، مردم آزادند در کسب

هستند که بازم فعالیت میکنند که یک همچو رئیس - الوزرا و یک چنین رئیس دولتی داشته باشند که مملکت را بهمان وضعیت در بیاورد و وقتی که یک دولت سیصد میلیون تومان بر عایدات مملکت افزود ، مالیات املاک مزروعی را گرفت (این بودجه ایست که من آوردم مربوط بسال ۱۳۲۶) ایشان مالیات املاک مزروعی را هیچده میلیون تومان پیش بیتی کرده اند مال سال ۱۳۲۷ را دیدند که ممکن است این اندازه وصول نشود یا زده میلیون تومان پیش بیتی کردند وقتی به این ملت بدبخت یک دولتی سیصد میلیون تومان در یکسال تحصیل کند (امیر تیمور - مالیات املاک مزروعی خلاف قانون است اینجا کرده اند این کار را کرده اند مالیات مزروعی قانون ندارد) بنده هم همین عرض را میکنم اگر مالیات صادرات داشته باشیم در این مملکت در نتیجه توسعه عمل زراعتی ما است ، در نتیجه اغنام و احشام ما است (صحیح است) وقتی که اینها برای دریافت یک چهلیم عایدات مملکت ، یک پنجاهم عایدات مملکت فشار عمده را باین طبقه وارد میآورند ... شما مظالم مأمورین را وقتی که تقسیم بکنید هشتاد درصد برای وصول این مالیات است در صورتی که ما حاصل این عایدات یک شصتم یا یک پنجاهم یا یک چهلیم عایدات کل مملکتی است ، این عایدات باید بکلی لغو شود تا مردم فعالیت فلاحی بکنند ، توسعه در عملیات کشاورزی و اغنام و احشام در این مملکت بدهند ، صادرات مملکت زیاد شود ، ما رفته ایم یک درشتهائی را ول کرده ایم و یک ریزهای بدبختی را چسبیده ایم . در بین مالکین عمده مملکت مرحوم سه سالار محمد ولیخان معروف بود از مالکین درجه اول این شخص از فشار طلبکار خودش را کشت (صحیح است) و مالکین عمده این دوره بند است بقیه که غیر از عمل زراعتی یک حقه بازیها و یک سوه استفاده هائی از عمل انحصاری در مملکت ما نمیکند و منحصرأ کارشان زراعت باشد دائما مقروض هستند (صحیح است) این اشخاص دخل و خرج نمیتوانند بکنند این مالیات املاک مزروعی باید لغو شود (امیر تیمور - افهوت) باید دنبالش را ول کنند مردم را آزاد و راحت بگذارند هر روز شکایات و تلگرافاتی میرسد از مظالم مأمورین مالیات املاک مزروعی ، این مالیات اصناف و مالیات مزروعی را لغو بکنند از ۱۵ ، ۱۶ میلیون نفوس ایران چهارده میلیونش راحت میشوند از مظالم این مأمورین و میروند دنبال تولید ، دنبال اینکه عایدات برای مملکت ایجاد بکنند این گرانی و بدبختی که ما امروز داریم نتیجه عملی است که جناب وزیر در مدت یکسال و کسری در وزارت دارائی خودشان و همچنین مالیات املاک مزروعی و اغنام و احشام لغو شود ، چرا ؟ این پیشنهاد بنده هوس نیست دلیل دارد دلیل این پیشنهاد عملیات وزیر در مدت پیش از یکسال ایشان که تصدی وزارت دارائی بودند ، بودجه مملکت اگر دو برابر نشده یک برابر و نیم شده از مردم از هر طبقه ای که توانستند پول بگیرند گرفتند البته از طبقات زحمتکش و فقیر ولی از طبقه سرمایه دار درجه اول که مشمول مالیات بودند و دکتر میلیسبو هم لایحه ای را تهیه کرده بود و هنوز آن قانون لغو نشده آنها را تخفیف دادند همانها

یک قصه ای شنیدم ، من فکر میکردم که آقای وزیر تاجر نیست ، وارد صف این مبلبون تراها سرمایه دارها خودش را قرار نمیدهد خودش را همیشه وطن پرست و مقدس و ظاهراً اصلاح بسا معرفی میکنند پس بطور شده است که این طبقه این همه خود کشی میکنند و پول هائی هم خرج میکنند فعالیت میکنند برای نخست وزیری آقای وزیر آدم مکر در این مملکت قحط است این چه خدمتی است (قبادیان - خیانت آقای وزیر را بفرمائید که ما هم به بینیم چه خیانتی کرده اند) اجازه بفرمائید بنده وقتی میآیم پشت این تریبون یک نیم ساعتی ممکن است اجازه داشته باشم ولی شما آقای قبادیان از شرق تا غرب برای اظهار عقیده تان فرصت هست . اجازه بفرمائید که من این مطالب را عرض کنم من شنیدم زمان شاه سابق که همه چیز انحصار شده بود منجمه یک شرکتی درست شد برای کثیرا که منحصرأ باین شرکت اجازه داده شده بود که کثیرا جمع آوری بکنند و حمل به خارج ایران بکنند در آن قرار دادی که با آن شرکت منعقد کرده بودند و انحصار شده بود جهت این شرکت این بود که دیگری حق ندارد و آن بدبختی کدر بیابان کثیرا جمع آوری میکند این باید مزدور باشد یک قوت بخور ، نمیری بخورد و کثیرا تعویب شرکت بدهد و آقایان به برند در بازار های اروپا بفروشند و منافع سر شاری هاید آنها بشود .

یک ماده ای در این قرارداد بوده است که ارزش حاصله از نتیجه فروش این کثیرا را هر لیره ای ۶۸ ریال بدولت بفرود . اسما ای که از این محل تحصیل میکند شرکت متعهد بود ۶۸ ریال بدولت بفرود این عمل هم انجام میشد تا موقعیکه آن خدمت نمایان را آقای مشرف نفیسی در این مملکت کرد ولی راه ۱۳۸ ریال رسانید در صورتیکه در جنگ بین المللی اول لیره طلا دو تومان بود او این خدمت بزرگ و نمایان را کرد و به ۱۴۰ ریال رسانید در این موقع تفاوت عمل خیلی زیاد شد و گویا ۹ میلیون تومان تفاوت نرخ ۶۸ ریال بوده است تا آن ۱۳۸ ریال کنرخ رسمی بوده است حالا بازار سیاهش را کار ندارم شنیدم آقای بدر که وزیر دارائی بوده است مطالبه میکردم است که آقا باید بهمان نرخ بدهید و این شرکت حاضر نشد تفاوت عمل هم ۹ میلیون تومان بوده حتی شرکت حاضر شده بود که نصف بکند یعنی ۴ میلیون و نیم بدهند و ۴ میلیون و نیم دیگر را دولت صرف نظر بکند آقای بدر بهر جهتی بوده است موافقت نکرد این دوسیه در زمان وزارت ایشان همینطور بوده و در طاق نسبان و فراوشی مانده است و این تشنج و هیاهوئی که علیه نجم الملک بیچاره در این مجلس از طرف یک افرادی که ذینفع بودند پیدا شد روی اصل این ۹ میلیون تومان است که آقایان را عصبانی کرده که نجم الملک آدم حسابی در رأس کار نباشد و وزیر باشد که دوسه را چندین سال خوابانده است این اوضاع مملکت ما است گذشته ها و تاریخ گذشته را که خود من بچشم دیدم ممکن است آقایان بفرمایند که مشمول مرور زمان شده است یک مبرغضبی در ۴ سال پیش ، حالاً توبه کرده است و برای پیش نوازی هم خوب است این حرف حسابی است ولی این عملی است که من الان می بینم این جریانی

است که مال امروز و دیروز و پریروز است ما راه دوری نمیرویم . بنده منمترضه را که بنده عرض کردم موضوع صحبت ما موضوع مالیات ارضی و مالیات اصناف بود عایدات نفت جنوب ما را تماماً دارند میبرند و این معامله ای که امریکائیها با این سعود حکومت حجاز کردند با ما بکنند در صورتیکه ملت ایران حتماً علماء و بزرگان و اشخاص فاضل بیش از حجاز دارد (ما نیرویم جاهای دیگر) ، اشخاص تحصیل کرده و فهمیده در مملکت ما از کشور حجاز بیشتر است با یک حکومتی که اشخاص تحصیل کرده آن کشور کمتر از مملکت ما بوده است در آن کشور در چند سال پیش امریکائیها یک قرار داد نفت بستند که در آنجا نفت استخراج کنند و ما راضی هستیم که آن قرار داد را هم درباره ما اجرا کنند و این ۴۰ یا ۵۰ سالی هم که خورده و برده اند حلالشان باشد (عباس اسکندری - حرامشان باشد) (مسعود ثابتی - آنها که حلال و حرام سرشان نمیشود) (سزاوار - چه حلال بکنید چه حرام نوش جان فرموده اند) بسیار خوب حرامشان باشد این تفاوت محصولی که اسما بیشتر محصول استخراج میکند کمیانی برای منافع خودش یک چند قازی هم که ما میدهد بیش از تمام این مالیات ارضی و مالیات اصناف است . این تفاوت عمل هست من میگویم که در این مملکت این پول را از آن رعیت بدبختی که یک خروار باید بکارد و پدرش در بیاید و آخر سال هم چیزی که در دستش باقی میماند آنرا از دست او نروند بگیرند این را به بختندش ، تفاوت محصول نفت اسما ما بیش از تمام عایدات مالیاتی اغنام و احشام و گندم و جو در سرتاسر این مملکت میشود باید مردم را راحت کرد ما ما نیامده ایم برای مردم هدایب درست نکنیم ، آمده ایم این جا برای مردم راحتی درست بکنیم ، ما را نماینده کرده اند مردم برای این که یک کمک بی بدبختها بکنیم نه اینکه اغراض خصوصی را ما اجرا و اعمال بکنیم (بین اسفندیاری - پاراف قرار داد نفت با مضای کیست آقای حائری زاده ؟) با مضاه هر کسی باشد من طرفدار این اساس هستم هر کسی باشد برای من فرق نمیکند . آقایان نمایندگان محترم انصاف بدهید در بین کارمندان فرهنگی و قضائی مملکت چند نفر سرمایه دار داریم این را احصاء بکنید آنها می که در وزارت فرهنگ خدمت میکنند دبیر هستند و معلم هستند و استادند یا آنها می که در دستگاه دادگستری هستند از امین صلح گرفته تا رئیس دیوان کشور اگر ارث بابائی بهشان رسیده باشد ممکن است در آخر ماه مقروض نباشند ولی همه شان مقروض هستند اکثر این ها حقوقی که با آنها داده میشود میروند تنزیلش را کم میکنند و از این بی انصاف سرمایه دار ها پس از کسر میلی بنوان تنزیل حقوقشان را یک ماه جلوتر بگیرند و دوی زن و بچه خودشان را تهیه میکنند اما برویم در وزارت دارائی و اقتصاد آنجا را هم به بیند اشخاصی که رفته اند در وزارت دارائی و اقتصاد ، اشخاصی که گدا بوده اند امروز میلیونها ثروت و پارکهای متعدد دارند (صحیح است) از کجا پیدا شده است غیر از آزاد و اذیت این مردم

است که مال امروز و دیروز و پریروز است ما راه دوری نمیرویم . بنده منمترضه را که بنده عرض کردم موضوع صحبت ما موضوع مالیات ارضی و مالیات اصناف بود عایدات نفت جنوب ما را تماماً دارند میبرند و این معامله ای که امریکائیها با این سعود حکومت حجاز کردند با ما بکنند در صورتیکه ملت ایران حتماً علماء و بزرگان و اشخاص فاضل بیش از حجاز دارد (ما نیرویم جاهای دیگر) ، اشخاص تحصیل کرده و فهمیده در مملکت ما از کشور حجاز بیشتر است با یک حکومتی که اشخاص تحصیل کرده آن کشور کمتر از مملکت ما بوده است در آن کشور در چند سال پیش امریکائیها یک قرار داد نفت بستند که در آنجا نفت استخراج کنند و ما راضی هستیم که آن قرار داد را هم درباره ما اجرا کنند و این ۴۰ یا ۵۰ سالی هم که خورده و برده اند حلالشان باشد (عباس اسکندری - حرامشان باشد) (مسعود ثابتی - آنها که حلال و حرام سرشان نمیشود) (سزاوار - چه حلال بکنید چه حرام نوش جان فرموده اند) بسیار خوب حرامشان باشد این تفاوت محصولی که اسما بیشتر محصول استخراج میکند کمیانی برای منافع خودش یک چند قازی هم که ما میدهد بیش از تمام این مالیات ارضی و مالیات اصناف است . این تفاوت عمل هست من میگویم که در این مملکت این پول را از آن رعیت بدبختی که یک خروار باید بکارد و پدرش در بیاید و آخر سال هم چیزی که در دستش باقی میماند آنرا از دست او نروند بگیرند این را به بختندش ، تفاوت محصول نفت اسما ما بیش از تمام عایدات مالیاتی اغنام و احشام و گندم و جو در سرتاسر این مملکت میشود باید مردم را راحت کرد ما ما نیامده ایم برای مردم هدایب درست نکنیم ، آمده ایم این جا برای مردم راحتی درست بکنیم ، ما را نماینده کرده اند مردم برای این که یک کمک بی بدبختها بکنیم نه اینکه اغراض خصوصی را ما اجرا و اعمال بکنیم (بین اسفندیاری - پاراف قرار داد نفت با مضای کیست آقای حائری زاده ؟) با مضاه هر کسی باشد من طرفدار این اساس هستم هر کسی باشد برای من فرق نمیکند . آقایان نمایندگان محترم انصاف بدهید در بین کارمندان فرهنگی و قضائی مملکت چند نفر سرمایه دار داریم این را احصاء بکنید آنها می که در وزارت فرهنگ خدمت میکنند دبیر هستند و معلم هستند و استادند یا آنها می که در دستگاه دادگستری هستند از امین صلح گرفته تا رئیس دیوان کشور اگر ارث بابائی بهشان رسیده باشد ممکن است در آخر ماه مقروض نباشند ولی همه شان مقروض هستند اکثر این ها حقوقی که با آنها داده میشود میروند تنزیلش را کم میکنند و از این بی انصاف سرمایه دار ها پس از کسر میلی بنوان تنزیل حقوقشان را یک ماه جلوتر بگیرند و دوی زن و بچه خودشان را تهیه میکنند اما برویم در وزارت دارائی و اقتصاد آنجا را هم به بیند اشخاصی که رفته اند در وزارت دارائی و اقتصاد ، اشخاصی که گدا بوده اند امروز میلیونها ثروت و پارکهای متعدد دارند (صحیح است) از کجا پیدا شده است غیر از آزاد و اذیت این مردم

فقیر و بدبخت و همین هائی که سرنیزه پنهان مینویسد؛ (کشاورز صدر - در برنامه هست که رسیدگی بشود) آقای صدر اینهم یکی از درویشانی است که آقای وزیر گفته اند (دهقان- قصاب قبل از جنایت که نمیشود کرد) من متقدم بگاید برای وزارت دارائی خودمان يك حدودی معلوم بکنیم تجار تخاصه ها هاملی را که معلوم میکنند که کارهای تجارتی را انجام بدهد و هایداتشان را جمع آوری بکنند صدی چند از عایدات را حق العمل قرار میدهند و این حق العمل از صدی دو و سه تجاوز نمیکند ما میگوئیم که صدی پنج حق العمل قرار بدهیم برای وزارت دارائی این هایدات ما چند قسمت میشود يك قسمت آنهاست که که خرج وصولی هیچ ندارد. این حق الامتیازهای که ما داریم الحمد لله دولت ایران هیچ اعتراض نمیکند که رئیس کمیانی نفت جنوب حقوقش را از حقوق شاه ایران بیشتر است، اعتراض ندارد فقط تماشای میکند يك چکی مینویسد که عایدات خالص ما فلان مبلغ بوده و این اندازه سهم دولت ایران است که ما میدیم و از بس مردمان خوبی هستند قولشان برای ما حجت است و هیچ بازرس و بازرسی در کارهای این کمیانی نیست و تبلیغات و انقلابی که در مملکت ما میشود چرا بحساب خود ما میآورند يك بودجه هائی اینجا خرج میشود این هاجرا بحساب میآید، اینها را اقلا موضوع بکنند و بحساب خود انگلیسها خرج بشود، این خرج ها بمنفعت انگلیسها در دنیا میشود و امتش را تبلیغات میکنند ماز آن آنها تبلیغات نمیخواهیم این تبلیغات ضرر دارد و هر روز آشوب و افتضاحی که بار میآید از همین محل ایجاد میشود این را کنترل نمیکند دولت یکشاهی خرج اصول ندارد يك چک مینویسد که چند میلیون لیره بحساب دولت ایران گذاشته شد هیچ خرج وصول ندارد يك پولهای دیگری هم داریم مثل ثبت اسناد، يك کسی زمینش را میخواهد برود ثبت بکند حق ثبتش را میدهد آخر سال هم ثبت اسناد يك صورتی میفرستد برای وزارت دارائی که امسال عایدات ثبت اسناد پنجاه هزار تومان بوده است و برای وصول این پول یکشاهی خرج نشده است یا بست و تلگراف مینویسد که امسال این هوائد را ما داشتیم و یکشاهی برای وصول خرج بر نمیدارد و امسال این نوع عوائد است که وزارت دارائی يك شاهی برایش خرج نمیکند، این بودجه ای است که داده اند من تحقیق کردم دیدم که برای کمتر از يك پنجم عایدات است که اینهمه پارک و اراضی و مستلقات مأمورین دارائی برای خود ایجاد کرده اند و اینهمه بلاسرش آورده اند و این بودجه ای را که اشاره کردم حالا عرض میکنم که اشتباهی در رقم نشده باشد بودجه وزارت دارائی ما تقریباً ده قلم است با اسی مختلف که جمع کلش ۹۷ در صد و کسری است نسبت به بودجه کل مملکت در صورتیکه آن هوائدی که خرج وصول ندارد موضوع بکنیم آن مقداری را که مأمورین دولت وصول می کنند و بجز آنه تحویل میدهند يك هزارم این بودجه کافی است برای تشکیلات... (در اینموقع مجلس از اکثریت افتاد و باورود چند نفر از نمایندگان مجدداً اکثریت حاصل شد) حال به بیستم دستگاہ تشکیلات وزارت دارائی مالز چه قرار است خنیم يك کمیسیونهای

در وزارت دارائی هست که تشخیص میدهند هایدات اشخاص مالیات اشخاص را و اظهار نامه را تنظیم میکنند يك شخصی که عضو وزارت دارائی در این کمیسیون پارسی این کمیسیون بود نسبت به يك شخص طرف توجهی يك قضاوت عادلانه ای میکند و تشخیص میکند، از طرف مقاماتو تکلیف میشود که در نظر خودش تجدید نظر بکنند رعایت مقام مالیات دهنده را در این جا بکنند این عضو يك آدم شریفی بوده دزد نبوده روی عقیده خودش ثابت مایستد و تغییر عقیده نمیدهد بلافاصله او را از آن پست برداشته و يك شخص دیگری را بجای او میگذارند که مطابق نظر مافوق اظهار نامه را اصلاح بکند ولی بفلان پینه دوز که میرسد این احکام قطعی است و پدر مرد که را باید بیرون آورد، این تشکیلات با این بودجه زیاد و خرج زیاد فریاد میزند برای این مملکت هیچ چیز دیگری ندارد، همین عملیات بود که نجم الملک را مجبور کرد یک قانون خلاف اصلی بیاورد بمجلس که نسبت باشخاصی که توافق شده است در عمل مالیاتی و قابل تجدید نظر نیست مجلس اجازه بدهد که تجدید نظر شود این قانون خلاف اصل بود ولی این نحوه تشکیلات فاسد این آدم صحیح العمل را مجبور کرد که این گزارش خلاف قانون و اصلی را بیاورد بمجلس (صحیح است) (اردلان- کمیسیون تصویب کرد و گزارش آنرا بمجلس فرستاد) البته این اقدامات کم کم منجر بفرق قانون رسمی مالیات بر عایدات شد و با کمال بیشرمی آقای وزیر پشت همین تریبون گفته که بلی ما این کار را کردیم و کار بجائی بوده است که این قانون را لغو کرده و تصویب نامه بجایش گذاشتیم برای اینکه عملی نبود، گفتند عملی نبود زیرا که نمی توانستند از يك دسته اشخاص متنوع پول بگیرند و آنها حمایت میکردند ولی از اشخاص بی دست و پا که اگر بدوشان رادر بیاورند اشکالی ندارد تصویب نامه ای که جای این قانون گذاشته اند بضرر طبقه ضعیف و به منفعت اشخاص قوی بوده و همین عمل را آقای وزیر در پشت همین تریبون اعتراف کرده است جرم است و بایستی محاکمه شود و من همین موضوع را اعلام جرم میکنم مدارک من هم اقرار خودش هست قانون جزائی هم هست بروند محاکمه اش بکنند چه حق داشته است قانونی را که مجلس ملی ایران تصویب کرده بود زیرا بگذارد و بر طبق تصویب نامه يك طبقه گردن کلفت رامعاف بکند و طبقه ضعیف را در چاه بیندازد، چه حق داشته است که اینکار را کرده بنده عقیده دارم که مالیات املاک مزروعی و اقطاع و احشام يك چهارم کل عایدات یا کمتر است باید لغو شود و ابدأ تأثیری در بودجه ندارد زیرا که اگر مأمورین صحیح برای وصول مالیات باشند و حساب جیب خودشان را کمتر ندانند عایدات مملکت اگر دو مقابل نشود معادل مالیات املاک مزروعی و اقطاع و احشام خواهد شد و با لغو این مالیات ها که جز زست برای اکثریت ملت ایران فایده ای ندارد مردم را راحت کنیم و دولت عوض اینصکه زجرى بطبقه ضعیف میدهد شر این مأمورین را از سر مردم کوتاه بکنیم ما امسال هیچ احتیاجی بوضع مالیاتهای جدید نداریم این مالیاتهای کثیفان را لغو کنیم احتیاجی بوضع مالیاتهای جدید نیست زیرا...

(در اینموقع مجلس از اکثریت افتاد و پس از چند دقیقه مجدداً اکثریت حاصل شد) بعقیده من اضافه هایداتی که خود کمیانی بعقیده خودش سهمی برای ما قائل شده است در صورتی که سهم ما غیر از این است و بعقیده من امتیاز آن هم انشالله در ۱۹۶۰ که دوازده سال دیگر باشعاعنی است و هر عملی را که بزور و قلندری در این وسط ها کردند نوکر های خودشان کردند و بزور آوردند این ها کان لم یکن است ما محتاج بوضع مالیات های جدیدی نخواهیم بود و در این چند سال که ما گرفتار این کمیانی هستیم اگر کمیانی برای تصفیه حساب حاضر نشد فریز انگلستان در دنباله دیگری هستند که کمک به ملت مظلوم ایران کرده و این حساب را روشن بکنیم و بناه عمل ما را با کمیانی اقل مثل عمل امریکائی ها با حجاز قرار بدهند و این مواد لاستیکی که با کمیانی بسته شده است از بین برود این يك جمله معترضه ای بود که عرض کردم يك قسمت دیگری را عرض میکنم که آن اصلاح دستگاہ اقتصادی که ما است مادر این بودجه ای که برای ما آمده است در همان بودجه ای که جناب وزیر عرض آن کابینه بودند هستند چون قبلاً خودشان وزیر دارائی بودند بیرونده آن را دفن کردند و ما را هیچ از خرج دستگاہ اقتصادی مسبوق نکرده اند، يك انحصار هائی در يك موقعی لازم بود که مجلس اجازه آن را بدولت بدهد که در معاملات خارجی خودش با اجنبی اصل یا با پارا ایجاد کند یا معامله متقابل کند خلاصه يك انحصار هائی از قبیل انحصار های تجارتی بدولت ایران اجازه داده شد و من نظرم هست که آقای دکتر مصدق در همان موقع که انحصار قند و شکر و چای مطرح بود داد و فریاد کرد که بالاخره بیایید يك حق انحصاری از مردم بگیرید و مردم را آزاد و راحت بگذارید ولی خوب تمام آنها کم کم از بین رفت ولی استفاده از انحصار ها را يك عده شاید هائی که تمام سرمایه دار هستند ارتباط با دستگاہ دولت پیدا کردند و استفاده از انحصار ها را این قبیل اشخاص کردند (صحیح است) من نظرم است که يك معامله ای دولت ایران با روسها کرده بود نظرم نیست برنج داده بود مقابل يك مقدار شکستی لوله لایما استان و از این قبیل اشیاء گرفته بود آمدند گفتند ولی تکدی هم نشد، استان دانه ای سه شاهی یا دوشاهی وارد شد و در اینجا بحساب دولت ایران گذاشته شد و يك کمیانی از دولت ایران گرفت و انحصار کرد بخودش و تا دانه ای ۱۱ قران هم فروخت، در این مملکت يك عده ای را فقیر کردند تا این که يك عده ای سرمایه دار شدند و از زمین جوشیدند آمدند بالا، اگر ما برگردیم به ۲۵ سال پیش این میلیونر های امروز اغلب گداهای آن روز هستند منشی فلان دستگاہ بودند (آشتیانی زاده - صحیح است) که امروز موثر در در آوردن و بردن دولت شاه شده، همینطور در قسمت های يك دزدیهائی شد مثلا در خراسان يك دزدی هائی شد اخلاص هائی شد و جای کثیف که با هزار مواد خارجی جای داخلی را قاطی کرده بودند میردند آنجا بر دم خراسان میخوردانند و چاهای در جاه اولی که از خارج میآید در بازار آزاد فروخته شد و میلیونها اشخاص بجهت زدن که دزدی ۲ روزش کشف شد و مدارک و مستنداتش پیدا شد يك مبلغ خیلی هنگفتی بود

که از این راه سوء استفاده شده بود و دوسه اش هم خوابیده حالا جناب آقای وزیر دادگستری اگر آن دوسه را راه بیندازند من نمیدانم ولی این دوسه خوابیده این مال ۲۵ و شش روز دزدی است و اشخاصی که وجودشان در کارهای مملکت مؤثر میباشد آنها عامل آن دزدی بودند ما باید تهران را اصلاح کنیم تا مردم ایران اصلاح بشوند مردم ایران دزد نیستند جانی نیستند، بوطن خودشان هلاکه ندارند بملکت خودشان دلبستگی دارند دشمن شاه خودشان نیستند شاه کی وظیفه خودش را عمل بکند محترم میشارند او را مرمز میدانند احترام و تعظیم هم میکنند تهران است که این فساد ها را ایجاد میکند و در نتیجه این فساد هرج و مرج و قساحق در ولایات پیدا میشود بالاخره پشتیبان آنها در این مجلس پیدا میشود که بادستگاہ دولت همکاری می کنند (بهادری - تلفن را هم بفراستید) این است که من عرض میکنم عایدات دستگاہ اقتصادی که دولت الحمد لله بودجه خرجش را نیاورده که ما به بیستم که چقدر دزدی در این دستگاہ شده و چه فرقی کرده که این مبلغ را پیدا کرده فقط عایدات خاص رادر رقم بودجه نوشته اند ما اگر ماله مانرا درست کنیم که دست دزدها کوتاه بشود مثل اینکه يك مالکی که عمل عایدات خودش را اول باید اداره بکند تا بتواند برای بچه اش هم فکر مدرسه بکند فکر دوا و غذا بکند، آن دستگاہ اولی که باید بودجه اش مرتب باشد چون يك کمیانی و اشخاص مسئول و غیر مسئولی در خارج این دستگاہ را حمایت میکنند و حفظ میکنند که این دستگاہ تلاشی نشود و در نتیجه این وضع زنده گانی مختل میشود بنده بکنفرانس عقیده ندارم از کار متندان دولت که او را یکبار بکنند وزارت دارائی ما شاهنشاهی دستگاہ دارکاشد کترها اشخاص فاضل و عالم فراوان دارد در صورتیکه وزارت فرهنگ سهم فقرا شده و در آنجا سهم صاحبان پارک و اتومبیل این آقایان را با تمام بودجه مربوطه شان بوزارت فرهنگ انتقال بدهند مثل آقای بهنیا وهم چنین دکتر هائی هستند آنجا که خیلی رتبه های عالی مقامی دارند بایستی آنها را بفرستید بوزارت فرهنگ که بروند دبستانهای را اداره بکنند دبستان ها و دانشکده هائی را اداره بکنند چه ضرر دارد این اشخاص با دارا بودن این معلومات در وزارت فرهنگ مشغول فعالیت فرهنگی بشوند که لااقل يك مردمی سواد پیدا بکنند تا در نتیجه بفقوشان آشنا بشوند (صحیح است) در وزارت دارائی که اقلا يك سواد خواندن و نوشتن را داشته باشند کافی است این اشخاص که اقلا بدرد نظامت مثلا در جوشقان میخورند خوبست حقوق این آقایان را بدهید که بروند در جوشقان و دزدی را هم ترك كنند و مشغول خدمت گذاری فرهنگی بشوند تمامی اینها را انتقال بدهید بوزارت فرهنگ تا وزارت فرهنگ با همین حقوق و بودجه شان اینها را بکار بگذارند آقای دکتر اقبال مرد زرنگ و کار آمدی است (صحیح است) آقایان همه این اشخاص را با بودجه شان انتقال بدهید و در وزارت فرهنگ مشغول فعالیت فرهنگی بنمایند تا مردم سواد پیدا کنند و بفهمند آزادی عقیده و فکر چه چیز است این مردم بیچاره نهمیده اند که آزادی فکر و عقیده چیست بعنوان نظم آمدند جلوی مجلس و جوابشان

را گلوله دادند آقایان اظهار عقیده کردن این جوابش گلوله باران شمن است سواد که پیدا کردند محسوس است نیایند دیگر بوظیفه شان آشنا بشوند این بدبختها بوظیفه شان آشنا نبوده بفرمان ملت آمده بودند که نظم بکنند اینجا خانه خود مردم است ما اقتضای این است که نوکر و مزدور این مردم هستیم و بعنوان نوکری این مردم آمده ایم خدمت بکنیم در خانه مردم خود مردم را راه نمیدهند بیایند نظم بکنند يك عکس هائی پیش من است يك سری عکس برداری شده است ممکن است آقایان بفهرید و ببینید این مردمی که میآیند در بین آنها مردمانی که میتوانند حامل اسلحه بشوند وجود نداشته است (کشاورز صدر - يك نمونه اش آمد بمجلس) اینها خیال میکردند دو مملکت اسلامی همه مسلمان هستند کلام مقدس قرآن کریم محترم است يك عجزی حامل قرآن بوده این عکس نشان میدهد که يك جمعیت دیگری دنبالشان بوده اند میآیند اینجا برای تعظیم البته میکنند آقای وزیر را مسا بهش اعتماد نداریم من حقیقه این جریانها را وقتیکه متوجه میشوم و می بینم که مردم را به مسلسل میندند عصبانی میشوم و ممکن است که از حال طبیعی خارج شوم و باید يك قدری درز بگیرم آن روزی که سداي گلوله اینجا بلند شد ما شنیدیم رفتیم بیرون چند نفر هم از رفقا آمده بودند بیرون اسامی بعضی ها ممکن است در نظر من باشد و بعضیها نباشد دیدیم که دو نفر يك شخص خون آلودی را که داد و فریاد می کند که این چه مملکت قانونی است این چه دیکتاتوری است گذاشته بودند داخل در شکه و بطرف کلانتری می بردند یکی دو نفر از آقایان نمایندگان که با آن جمعیت بودند این شخص را از آن آزانه گرفتند و آزادش ساختند عکس آن شخص و آن آزانه و اشخاص غیره هربد است و حتی نمره که سینه آن آزانه است پیدا نشود انگار کرد و گفت که این جرم واقع شده است این را آوردند توی مجلس من دیدم که در جلوی این پاساژ که نظامیان صف بسته بودند و در جلوی مسجد سیه سالار نیکبازانند جلو برویم و شلیک می کنند ب مردم یکی دیگر از آقایان با من همراهی کرد دو نفری رفتیم تاشلیکی که بروی این جمعیت میکنند جلو گیری بکنیم و میگوئیم مردمی که میآیند بطرف خانه خودشان و نظم میکنند جوابشان گلوله نیست اگر حرف حسابی دارند باید شنید و اگر حرفشان حسابی نیست باید با آنها حالی کرد که حرفشان حسابی نیست توی پاساژ من دیدم که يك افسر شهربانی که شخصاً اگر به بیستم می شناسم ولی اسمش را نمیدانم این شخص گلایز است با یکی دو نفر ما رسیدیم بان پاساژی که مردم در آن جمع شده بودند پس از اینکه شلیک قطع شد من پرسیدم کی دستور تیراندازی داده است بعد معلوم شد که دقتی رئیس این نظامی ها بوده است او دستور داده است، ممکن است دروغ باشد بالاخره شلیک که دروغ نیست من و شما صدای گلوله را شنیدیم که مردم را گلوله باران کردند يك نفر که گلوله خورده بود در توی مجلس دیدیم يك عده ای هم که توی مرضفغانه خوابیدند و يك عده ای هم از ترس این که شهربانی آقای وزیر مزاحمت برای آنها تولید نکند در خانه های خودشان مضی شدند. این دروغ

نست من تقاضا کردم و آن اعلام جرمی که بر علیه آقای وزیر کردم برای این بود که بروند ببینند چه حق داشتند دستور بدهند که ب مردم شلیک بکنند کمیونی باید برای اینکار تشکیل بشود تا هنوز آثار جرم معو نشده است بروند تحقیق کنند و مجرمین را باید اعدام کرد که بی جهت بلك شلیک نکنند اینجا حق ندانند يك چنین کاری را بکنند هیچ دولتی حق ندارد که بلك خودش شلیک بکند چه رسد باشخاص کسانی که جلوی هر شخص مسلحی مثل زن فرار میکنند. مثل زن قدیم نه زن رشیده های امروز مثل زنهای قدیم فرار میکنند در مقابل اشخاصی را که حامل قرآن هستند واسلحه نوازند یا اسلحه بآنها شلیک میکنند این وقایع روز پنج شنبه وقایعی است که در تاریخ آزادی و انقلاب ایران فراموش شدنی نیست اگر در ۴۲ - ۴۴ سال پیش آقایان نمایندگان افتادند و مردم دنبال آنها آزادی و مشروطیت اسمی امروز را بست آوردند و این قانون متمم قانون اساسی را مجبور کردند که دولت وقت در مقابل آنها تسلیم بشود و بدست بیاورند يك لکه های کوچک و وسایلی اگر در آن مشروطیت ماست بعضی ها برای دفاع از نفس خودشان بيك سار تخاصه هائی رفتند در این مبارزه مقدس که شروع شده است برای گرفتن حق و عدالت و قانون اساسی و آزادی الحمد لله هیچ شائبه ای و رنگی و سکناف و لکه هائی که بیشتر ممکن بود بهش بزنند ممکن نیست دیگر در این مبارزه بهش بزنند برای اینکه خوشبختانه يك شخصی که امتحان خودش را در بین عرب و عجم داده است قائم دوسر سلسله این طبقات است و رهبر آنها است که هیچ لکه سیاست خارجی میدانم با آنها چسبیدی ندارد و این قیام مقدس را هم میدورم که بنتیجه برسانند مثل حالا که مردم را گلوله باران کردند و مقاومت کردند و باز دهم دوم هم مقاومت کردند باز جلوی چهار راه مقاومت کردند و تحمل کردند که نظامی ها در دهم دوم شلیک کردند، مردم برای گرفتن حشاق مقاومت خواهند کرد تا حق و عدالت اجرا بشود و آن خائنینی که دستور شلیک دادند محاکمه بشوند و مجازات گردند تا يك آزادی که برای همه طبقات میسر باشد نه يك طبقه سرمایه دار و بستم انداز و حق باز آزادی داشته باشند ولی برای سایر طبقات توری خوردن و مالیات دادن سهشان باشد، این سهم درست نیست این موضوع در تاریخ ایران بعد از اسلام سابقه نداشته است که يك مردمی که حامل اسلحه نبوده و فقط قرآن کریم که همه ماها بان قسم خورده ایم در دست داشته اند بان ها شلیک بکنند، در زمان ناصر الدین شاه که حکومت استبدادی مطلق بوده خودش هم رئیس قوه مجریه بود هم مقننه و هم قضائیه با مردم اعدام میکردند، با مردم آزادیات میکردند و با مردم جنگ میکردند با مردم صلح میکردند وقتی که احساسات يك طبقه ای را بر علیه نزدیکترین افراد خودش میدید جداً برای ترضیه خاطر مردم اقدام میکرد نظرم آمد من کوچک بودم خیلی جلال الدوله بود که پسر طرلس السلطان نوه ناصر الدین شاه میشد تفریدی راست یاد دروغ آمده بودند شکایت کرده بودند یهلوی آن توپ مروارید باهلی با حسین میگفتند و منظم بودند شاه گفت چه خبر است با این عمل که دعاوی ناحقی هم هم بعد معلوم شده بود و بعضی هم دروغ میگفتند پول

از ایشان گرفتند نام شد قضیه ، ملک داری با صلاحت باقی میماند بازر و قلدری باقی نماند؛ هیچ قلدر و هلاکتند بملتش مثل هتندر دنیا تا بجا نیامده است که بر اقامت خودش خیلی زحمت بکشد ملتی که در جنگ اول نیست و تا یابد شده بود در ملت قبلی او را پیغام از جنسی رسانید ولی چون طالب قلدری بود و نیگردد ملت آلمان را بدبخت کرد و نتیجه صل هتندر شهر ازید یعنی برای ملت آلمان چیز دیگری عاید نشد قلدری فایده ندارد ، بار را بمنزل نبرساند بکشد ملتی مردم و از بزم میاندازند ولی بالاخره آن قلدر ها نیست و نابود میشوند زیر پای مردم ، ولی نعمت ها مجازات میشوند ما اینجا حقوقی که میگیریم نتیجه دسترنج همین مردم است ما باید حافظ حقوق و آزادی و امنیت این مردم باشیم (صحیح است) من نمیتوانم بهم خود سر قنطر بکنم ، روز ه شب گذشته ملت ایران قیام کرد ، سابقه نداشته است که بحال قرآن شلیک بکنند سابقه در تاریخ ایران بعد از اسلام نداشته است ملت ایران همیشه بقرآن احترام میکرد ، مردم پشامگاه داشتند ، میرفتند در امازاده ها متحصن میشدند ، منزل صحیح الاسلام متحصن میشدند برای خودشان پشامگاهی داشتند ولی حالا مردم که بغضه خودشان برای نظم میآیند با کلوله رو برو میشوند آیا باید مردم بروند با جنبی متوسل بشوند ؟ این عملیات سوء ملت ایران را بطرف نیستی و بدبختی سوق میدهد مسبب بدبختی این ملک اشخاصی هستند که حق آزادی را از این مردم سلب میکنند ، من نظرم هست که اوایل تشکیلات روسهای امروزه نه روس های تزاری موقعی که آمدند بهران اینطور نشان دادند که ما طرفدار کارگر و زحمتکش و رنجبر و این قبیل حرفها هستیم این حرف ها را میزدند و بعضی ها هم باور میکردند ، سفارت روس گردشگاه مردم شده بود ، شهرداری تهران برای مردم تفریحگاه درست نمیکرد ، بود ولی این باغ سفارت گردشگاه مردم شده بود در با باز میکردند و مردم تفریح میکردند ، مرحوم مشیرالدوله همین باغ بهارستان را برای گردش مردم آزاد کرده بود گفته بود که مردم باید در خانه خودشان گردشگاه داشته باشند که نروند در محلی که بیگانه درست کرده است گردش کنند ، شما درب خانه مردم را برویشان می بندید پس کجا بروند این مردم ، خیانت بملکت کسانی میکردند که دستور دادند جلوی مردم بدبخت نظامی بایستد و شلیک بکنند ، این اشخاص را باید خائن ملک قلمداد کرد ، این عملیات را ما نمی توانیم بطور هادی تلقی کنیم این قضیه هادی نبوده است (کشاورز صبر - آمن آنها هم هادی نبوده است) این قضیه خیلی فوق العاده هست ، شنبه خدا کند دروغ باشد چند روز قبل از این که این قضیه اتفاق افتاد این جنایات بزرگ اتفاق افتاد بکنند انجمنی در ستاد لشکر تشکیل شده آقای هژیرو بودند یا نبودن من نمیدانم ، یک اشخاص دیگری بودند اشخاص مسئول یا غیر مسئولی بودند من نمیدانم آنها صحبت شده است که این هیاهو و این جمعیت بازاری و این حرف ها باید خاتمه پیدا کند باید تو دهنی با آنها زد که بروند سرکارشان و این عمل روز ه شب با یک نقشه قبلی

برده است که با ملت ایران جنگ داده اند حالا که ما وارد در جنگ شدیم دیگر ول نمی کنیم یا باید نیست بشویم یا باید حق و آزادی را بگیریم ما حاضر نیستیم بنشینیم و تماشا کنیم و با این صلیبات خلاف کار ملک بگذرد ، من بهم خود حاضر نیستم با این که سالم نیستم و بنا بوده است که ۲۵ روز بروم کنار دریا و راحت کنم ولی چون وظیفه نمایندگی این مردم را برعهده دارم حاضر نیستم که بروم کناره گیری کنم و بروم کنار دریا من اینجا قسم خودم ، کله مها امن را خیلی ها برایش تفسیر فائل شدند ، که ما حفظ آزادی و عدالت و قانون اساسی را بکنیم ما مها امن را تا وقتی که کلوله بلب من اصابت بکنند تفسیر میکنم من نمیتوانم تماشا کنم که قلدری و زور گوئی در این مملکت حکمفرما باشد آقای وزیر با این سوابقی که دارد ، با این رفتاری که داشته است با این بارهای سنگینی که بدوش این ملت گذاشته است با این رفتار روز ه شبهاش من نمی توانم بچنین شخص بگویم هلاکه بملکت و همچنین نمیتوانم باو اعتماد و اطمینان داشته باشم .

نخست وزیر (آقای هژیرو) - اجازه می فرمائید ؟

رئیس - بفرمائید .

(در این موقع قبل از این که آقای نخست وزیر بیانات خودشان را شروع کنند از طرف تماشاچیان و از مطبوعات بر علیه ایشان تظاهراتی شد)

بعضی از نمایندگان - آقای رئیس جلوی این تظاهرات باید گرفته بشود .

(همه نمایندگان)

رئیس - ماده ۱۴۳ را برای آقایان تماشاچیان قرائت میکنم .

ماده ۱۴۳ - مخبرین جرایم و تماشاچیان باید ساکت بنشینند و اگر از طرف یکی از آنها هلاکت تکذیب یا تصدیق مشاهده شود فوراً اخراج خواهند شد .

دهقان - آقای رئیس بنده اخطار نظامنامه ای دارم (همه نمایندگان)

رئیس - بنشینید نظم جلسه را رعایت کنید این اشخاص بعهده فرستاده میشوند آقای نخست وزیر بیانات خودتان را بفرمائید .

نخست وزیر - عرض کنم حضور محترم آقایان کبنده خوب میدانم که در حکومت پارلمانی همان طوریکه آقای حائری زاده در همین نطق امروز خودشان اقرار فرمودند اکثریت حاکم است بنا بر این همانطوریکه جلسه قبل هم عرض کردم تا موقعیکه مورد تائیل اکثریت نمایندگان مجلس هستم کبنده در خدمتگذاری باقی باشم باقی خواهم بود و هر موقع که بفرمائید بخدمت خود خاتمه دهم البته امرشان لازم الاجرا است و فوراً بنده اجراء خواهم کرد بنده نمیدانم فرمایشات آقای حائری زاده که از یک طرف میفرمائید در حکومت دمکراسی باید اکثریت حکومت کند و از طرفی میفرمائید که خود ایشان بر فرض که بکنند هم باشند باید حرف خودشان را بزنند این چطور باهم سازش دارد ملی ایصال در اواخر صحبتشان فرمودند سابقاً اتفاق افتاده بود که

چهار نفر پردی فرمودند نمیدانم بحق یا باحق آمدند جلو دربار و هیاهو کردند ناصرالدین شاه گفت جلال الدوله را محزول کردم و راجع بان دعوی هم که داشتید باینکه حق نبود یک پولی از نشان گرفته و نشان کردند اگر همان حکومت ناصرالدین شاه و جلال الدوله بود بنده حرفی نداشتم اگر حق است خوب می فرمائید آقایان هم استصاف می کنند ، تصمیم اتخاذ میفرمائید بنده هم معینم ولی مدام این مطلب را گفتن و این را برد اطلاق کردن که کافی نیست کسی دستور شلیک که بدمر نداده است چند نفر شخص معینی که بنا بر نفس معینی میخواستند با تظاهرات خود مجلس شورای ملی را تحت تاثیر نظریات خودشان قرار بدهند بنا برای مجلس شورای ملی که بعد هم بطوریکه شنبه در جلسه خصوصی تأیید شد با نظر آقای رئیس مجلس شورای ملی که گفتند از تظاهراتی که موجب اختلال نظم در محوطه جلو مجلس گردد موجب این بشود که خدای نکرده تأثیری در تصمیم قاطع مجلس نمایم جلو گیری گردد و غیر از این چیز دیگری نبوده است اگر بدمر شلیک کرده بودند لاقول یک نفر کشته میشد چطور ممکن است اینطور که ایشان میفرمایند بدمر شلیک شده باشد و خوشبختانه بطوریکه تا حالا اتفاق افتاده کسی کشته نشده باشد اینک برای مردم یک کلمه ای گفتن و فشار آوردن و تکرار کردن ممکن است کم کم یک مطلبی که حقیقت ندارد در اندهان جای گزین بکنند و جها من الوجود بدمر شلیک نشده است یکشلیکی بهوا کردند برای خاطر اینکه مردم متفرق بشوند و بروند سر کارشان نظم و امنیت را در شهر و مملکت مختل نکنند حالا این مستلزم این شده است که اعلام جرم بفرمائید بسیار خوب بفرمائید ، فرمودند کمیسیون برود رسیدگی بکنند بسیار خوب بروند رسیدگی بکنند نامانی ندارند ، بروند رسیدگی بکنند نتیجه معلوم میشود و بعرض مجلس شورای ملی میرسد اگر بنده محکوم شدم بسیار خوب معلومی شود که از اول مشروطیت تا حالا که در خدمت آقایان هستم فقط بنده بودم که از لحاظ مالی از لحاظ اداری ، از لحاظ نظم و امنیت ، از لحاظ حفظ آزادی مردم ، از لحاظ حفظ رای اکثریت ملت بنده یک نفر جانی بودم بسیار خوب اینک اشکالی ندارد ولی مدام دنباله یک مطلب را گرفتن و تکرار کردن این عمل بنظر بنده برانزده یک وکیل اقلیت نیست . اینجا خواستم حضور آقایان عرض کنم اولایکی این بود که گفتند مطابق اطلاعات ایشان در اوقاتی که بنده رئیس کمیسیون اسرار بودم اهلی حضرت فقید و چه بیکه خواستند بخارجه انتقال بدهند با اطلاع و بدست بنده بوده است بنده بطور قطع و یقین با آقایان عرض میکنم که بهیچوجه من الوجود یک دینار هم ایشان بعنوان اینکه پول بخارجه بخواهند انتقال بدهند نپا میدهند نخواستند ندادیم و سابقاً هم ندادیم بنده که آقا دفتر دستک کمیسیون اسرار و بانک ملی را که در جیب نگذاشته ام یکمؤسسه است موجود بود حالا هم هست بفرمائید بروید رسیدگی بکنید مقصود از اینکه با اطلاع بنده این پول را منتقل کردند چیست یعنی بنده شخصاً این پول را منتقل کردم و فرستادم بنده چنین کاری نکردم بانک ملی موجود است ممکن است پیرسید

اصلاً سابقه ندارد و اصلاً هیچ رجوع نکردند . انجمنی در ستاد ارتش تشکیل نشده است تمام بیانات و فرمایشات ایشان بر روی مسوعات است میگویند شنبه انشاهای دروغ است خودشان تصدیق میفرمایند بعداً مطرح میفرمایند بنده چه بگویم نه انجمنی در ستاد ارتش تشکیل شد و بنده حضور داشتم و نه کسی پیش بینی میکرد که نیری بهوا خالی می شود خوشبختی بنده اینست که در حضور آقایان که هستم حالا اکثریت نمایندگان محترم مجلس نسبت بنده لطف دارند آقایان مخالفین بنده هر چه زیر و رو میکنند که یک ایرادی بمن بکنند چیزی پیدا نمی کنند فقط اکتفا میکنند باین که آنچه که شنیده اند و ایرادی که به بنده دارند که همه اش می پردازند به آن بنده در باب استخدام خودم در سفارت شوروی بنده یک روز دیگر اینجا حضور آقایان تفصیلاً عرض کردم اگر لازم است مجدداً رجوع بفرمائید بصورت جلسه تکرار بنده لازم نیست در صورت جلسه هست اما یک دوره ای بوده است باصطلاح ایشان دوره آزادی بوده است و بعد یک دوره ای بوده است باسم دوره دیکتاتوری هژیرو را اینجا بطوریکه ایشان الان فرمودند من متش دولت در بانک ملی کردند بسیار خوب حالا که این شکل شده است میروم بطور دور و دراز بصورت قضایا و قصص و اوهامی که پس چطور بوده است که اینطور بوده است و آنطور بوده است و ازش نتیجه بگیریم که این بشر هژیرو تمام بشود خود آقای حائری زاده در مجلس در دوره چهارم تشریف داشتند در دوره پنجم هم تشریف داشتند مخالف حکومت تغییر سلطنت و حکومت بهلوی هم بودند بعد هم کار دادند بهشان در دیوان تیز چرا پس این نباید معلی بشود که خیالات بکنند که آن دوره ای که مخالفت میکردند صوری بود که بعد هم سر کار آمدید اگر صرف اینکه در دوره دیکتاتوری یک خدمتی بنده رجوع کردند معلوم بشود که آنروز بنده چه جوری بودم و امروز بنده چه جوری هستم در ظاهر و باطن نسبت بایشان هم صادق است ایشان منطقی که درست میکنند برای اینکه یک نتیجه ای بگیرند دیگر نسبت بخودشان که باید آن منطقی را لازم الا بر ابدانند امروز شنیدند که شرکت مرحوم کتیرا ۹ میلیون تومان بدهی داشته است و هژیرو نگرفته است بنده این دفعه اولی است که موضوع بدهی شرکت کتیرا را اصلاً میشنوم ۹ میلیون تومان است یا ۹ هزار تومان من نمیدانم چیست و کی جعل کرده در ۱۳۲۰ انحصار شرکت است هتاد حکومت هم آمده و رفته است بنده چرا مسئول اینکار هستم میفرمایند آقای نجم خیال داشتند که این ۹ میلیون تومان را بگیرند باینجه با ایشان مخالفت کردم خوب این خیال را ممکن است در ظرف پنج ماه میخواستند عملی بکنند بنده که نمیخواهم حمله ای با آقای نجم الملک بکنم خوب میخواستند این را اقدام بکنند در ظرف این هفت هشت سال حکومت اینهمه وزیر مالیه آمدند و رفتند اینهمه رئیس الوزرا آمد بنده مسئول این هستم که هیچ حکومتی نرفت این ۹ میلیون تومان را بگیرد حالا بنده چرا بگیرم بنده که خودم حالا اسم الله الرحمن الرحیم

نکته ، هنوز نیامده باید انتقام علی را که در ظرف هفت سال هیچ حکومتی نکرده است بنده بنده که عرض کردم که اصلاً از موضوع محمول آن اطلاعی ندارم در ۱۳۲۰ لیره شده است از ۶۷ ریال نمیدانم ۱۴۰ ریال و تا امروز حساب تصفیه نشده است نمیدانم کدام حساب نازه به بنده چه اینها که عرض میکنم از این حیث بنده را مفتخر میکنند و خوشبخت میکنند که مخالفین سر سخت بنده هم هر چه میکنند چیزی پیدا نمیکنند . اما راجع بقانون مالیات بردر آمد ایشان نظر اصولی دارند بنده هم مطیع ایشان هستم بیکبار دیگر هم عرض کردم قانون مالیات بردر آمد بموجب تصویب نامه فروردین ۱۳۲۵ کبنده هم وزیر دارائی نبودم و آقای سهام السلطان بیات وزیر دارائی بودند ملنی کردند (صحیح است) بنده که آدم تصویب نامه آقای سهام السلطان بیات را اصلاح کردم نه قانون (امیر تیمور - هر دو باطل است ، هر دو خلاف است) حالا باید که تعقیب بشوند همه باهم اما تعقیب اگر هست پس معلوم است که نظر خاصی است و اعلام جرم می فرمایند بفرمائید حقشان است اما نسبت بهردو تاوهر دوتا ه تا ه تا ۲۰ تا ۲۰ تا هر یک بودند زمان نسبت بنده اگر نسبت به بنده تنها باشد معلوم میشود فرض در کار است و الا بنده چه عرض کنم مقررات مملکت را رعایت میفرمائید البته رعایت بفرمائید اما منصفانه و بطور مساوی نه بضر من که همه بتوانند بگیرند که امر قانونی انجام گرفته نه یک امر مفرضانه و بعد عرض میکنم اینها را که میگویند خلاف قانون است خوب میگویند بعد از بنده هم که میفرمادند هنوز هم میگویند این به شده است کبنده مقصرم ایشان عقیده شان بر اینست که آقای نجم الملک وزیر دارائی قانونی بودند بنده هم عرض کردم شاگرد ایشان هستم اگر قبول بکنند پس چه شده است که این مالیاتی که در زمان ایشان میفرمادند این مجازات است ولی در زمان بنده میفرمادند مجازات نیست این صورت عجیبی است انحصار های تجاراتی که بر قرار شده است یکمدهای سوء استفاده کردند بنده که در آن برنامه نوشتم بنده میخواهم انحصار را بردارم خیلی چیز فریبی است کس دیگری انحصار گذاشته یکمدهای سوء استفاده کردند یا نکردند بنده که عرضی ندارم بنده که در برنامه خودم این موضوع را عرض کردم که میخواهم این عمل را بردارم تمام اینها را نوشته ام حالا بایستی که تمام مقررات حق یا غیر حق رایبای بنده بگذرانند از چرخ دستگاه اقتصادی دولت اطلاعی ندارم بودجه که مطرح نیست حالا اجازه بفرمائید وقتیکه بودجه را تقدیم کردیم و مطرح شد ایرادی اگر دارید بفرمائید بودجه سال ۲۶ و سال جاری را آقای نجم الملک بمجلس دادند بکی ایرادی هست به بنده ایرادی هست منکبه بودجه سال ۳۲۷ را تقدیم نکردم ملی ایصال هر کس تصدیق کرده است ایراد بگیرند یکدفعه میفرمایند که بنده باید بروم بعضی هوائی که باید بدولت برسد بابت نفت کسی رسیدگی نمیکند از زمان مرحوم مظفرالدین شاه امتیاز نفت را دادند تا حالا هم معمول است بنده در جرم صدیق السلطنه هم سهم هستم پس چه بکنم کار گذشته را اگر میفرمائید عرض کردم پس چرا همه را بیای بنده میبوسید آبنده را اگر میفرمائید بنده تازه گفته ام اسم الله الرحمن الرحیم

بهر صورت ایشان فرمودند هر چه میفرماد خودشان مقصود جلوه بدهند بنده نه فقط میفرمادم یعنی میفرمادم مقصود باهم آقایان نمایندگان محترم بنده را مقدس بشمارند و سعی خواهم کرد که هر خدمتی که به بنده مراجعه میفرمایند در این اصلی که برای خودم دوست کردم ثابت قدم تر و در دستار تر و مسلم الاری تر باشم و امیدوارم که بصیوحت هم همانطور که تا حالا بوده است از حدود حق و حقیقت و قانون منحرف نشوم بهرحال این را عرض میکنم که انتظاری را که برای خودم می بینم از طرف آقایان دارا شده ام سعی خواهم داشت برای اینکه این افتخار در نتیجه خصمانی که خواهم کرد مساعدتر و سوغ تر باشد اما یک چیز دیگری را هم میگویم در هر جای دنیا بخصوص در ایران تصدی شغل دولتی شدن کار مشکلی است یعنی یکمده زیادی مقاومت و مخالفت در بردارد و خود این برهبر کرد روی یک اتهامات و خیالات و اگر یک کسانی هم ندای نکرده در خارج باشند که صاحب فرضی باشند آنها هم میخوانند در این امر دخیل شوند و نظریات خودشان را دخیل بدهند اما یک کسی که مسئولیتی را قبول کرد و قدم گذاشت باید پی تمام این کارها را بخودش ببالد ایشان بخودشان اجازه میدهند که وقتیکه پشت این تریبون می ایستند بهر کس و بهمه جا همانقدر که مخالف منظور ایشان باشند اهانت بکنند ، انتقاد بکنند بنده که عرضی ندارم البته نماینده مجلس شورای ملی هستم محترم هستم ، معون هستم مقدسند آنچه بفرمائید مطاع است ولی باید این را عرض بکنم که اگر بنده برای خدمت گذاری حاضر و حاضر شده ام از برای اجرای امر آقایان و برای آقایان است و بدون انکه و استظهار آقایان ناز بنده و نه از هیچکس کاری ساخته نخواهد بود (صحیح است) حکومت یک ملتی ، حکومت یک مملکتی اگر مستظرف به رای مجلس شورای ملی نباشد و اگر نتواند که استصفا بکنند که اکثریت نمایندگان مجلس شورای ملی از حق او دفاع بکنند و نگذارند بی جهت باو توهین به شود باندازه ای در نظر مردم زبون و ذلیل خواهد شد که کاری از پیش نخواهد برد (صحیح است) باینجه استفاده های بنده اینست که آقایان هر تصبیبی که میخوانند بفرمائید هر چه زود تر بفرمائید و مملکت را از این آشوب نجات بفرمائید (صحیح است) بنده همانطور که عرض کردم اسرار در مانندن ندارم ولی مادامیکه اکثریت نمایندگان محترم مجلس شورای ملی به بنده اطمینان میفرمایند اگر قبول نکنم و در مقابل یک حمله یک گفتگو ، یک ایراد ، یک نطق آقای حائری زاده از جادر بروم ببقیده خودم یک سر باز گریز یا هستم بهین جهت بنده از اجزا در نخواهم رفت و خواهم ایستاد تا آقایان بفرمایند برو و استصفا بکنم این چیزهاییکه در خارج گفته میشود لاقول آقایان در مجلس شورای ملی بفرمائید چون اینجا امروز هژیرو در مقابل آقایان نه استاده در مقابل آقایان بگردی که از طرف شما مأموریت حفظ حقوق و سلامت و سعادت ملت خواسته شده است استاده است (صحیح است) در خارج آنچه گفته میشود بفرمائید ولی در اینجا

ترو کوفت پیری پسر را بچوب
 بگفتای پیری گناهام نکوب
 توان بر تو باز جور مردم گریست
 ولی چون تو جورم کنی چاره چیست
نماینده گان - اجنت
حاذقی - خدای انصاف بنهد
رئیس - پیشنهاد تنفس رسیده است قرائت
 میشود.

(شرح زیر قرائت گردید)
 پیشنهاد میکنم پس از نطق جناب آقای وزیر
 تنفس داده شود. دهقان
رئیس - آقای دهقان توضیحی دارید؟
 بفرماید.

دهقان عرض کنم بنده این پیشنهاد را برای
 این کردم که يك چند دقیقه تنفس داده بشود که
 استراحتی بکنند آقایان و مجدداً مجلس تشکیل
 بشود برای اصفاه بیانات آقایان
رئیس - سه ربع از ظهر رفته و البته موافق
 هم که نوبتش هست متصل صحبت خواهد کرد من عقیده
 دارم جلسه برای روز یکشنبه باشد

حاذقی - غنجه جلسه تشکیل بشود.

۴- موقع ودستور جلسه بعد ختم جلسه
رئیس - یکشنبه ساعت ۸ ر۵ تشکیل میشود
 وساعت نهم هیئت دولت حاضر میشوند و برنامه مطرح
 میشود.
 (سه ربع ساعت بعد از ظهر جلسه ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - رضاحکمت

شماره ۱۲۰۷۲۳۹۸۹۰۲۷-۲۶
آقای علی اصغر حاجیان سردفتر سابق
ازدواج و طلاق دهستان رود قلات تبریز
 چون طبق قرارداد مورخ آذر ۲۴ صادره از
 بازپرسی شهرستان تبریز از اتهام تنسبه تبرئه شده‌اید
 ابلاغ شماره ۹۳۷۰۹۳۷-۱۲۱۰۹۹-۱۲۱۰۹۹-۲۳ راجع
 بالفاه رسمیت دفاتر شما ملغی الاثر میشود
 وزیر دادگستری

شماره ۱۱۹۱۶-۴۰۲۵-۲۷-۳-۲۴
آقای سیف‌الدین امینی
 بموجب این ابلاغ دفتر شما را در قریه کب
 دهستان ازندریان ملایر برای ثبت ازدواج رسمیت
 می دهد.
 وزیر دادگستری

شماره ۱۱۹۲۴-۳۶۷۹-۲۷-۳-۲۴
آقای یوسف قاضی زاهدی سردفتر
ازدواج اشناخور الیگودرز
 بموجب این ابلاغ محل رسمیت دفتر شما بده
 کنگدجان قطعه ۲ بخش ۴ بلوک جلگه گلپایگان
 تبدیل می شود.
 وزیر دادگستری

شماره ۱۱۸۹۴-۳۲۹۳-۲۷-۳-۲۴
آقای بابا هاشمی
 بموجب این حکم سمت سردفتری اسناد رسمی
 درجه سوم دهستان نخواست بجنورد منصوب می
 شوید طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید
 وزیر دادگستری

شماره ۱۲۰۴۸۴۰۰۵۶-۲۷-۳-۲۶
آقای محمد امین شریفی
 بموجب این ابلاغ دفتر شما را در دهستان فیض‌الله
 یکی سفر برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد.
 وزیر دادگستری

شماره ۱۲۹۳۶۲۷۹۹-۲۷-۳-۲۶
آقای حسین سالک آزاد سردفتر اسناد
رسمی بندر پهلوی
 بموجب این ابلاغ بعلت مشمولیت نظام وظیفه
 و انجام خدمت تحت السلاحی از تصدی دفتر اسناد
 رسمی معاف میشود
 وزیر دادگستری

شماره ۱۱۹۱۴-۳۷۰۶-۲۷-۳-۲۴
آقای هرمن ویکتر سردفتر ازدواج
شهر همدان
 بموجب این ابلاغ استعفای شما از تصدی دفتر
 ازدواج پذیرفته میشود
 وزیر دادگستری

شماره ۱۱۶۸۴-۳۸۷۱-۲۷-۳-۲۴
آقای یحیی فلسفی سردفتر اسناد
رسمی شماره ۹ آبادان
 نظر بگزارش واصله چون رفتار شما منافی
 با حسن جریان امور دفترخانه میباشد با اجازه ماده
 ۴۳ قانون دفتر اسناد رسمی برای مدت ۳ ماه از
 تصدی دفتر اسناد رسمی منصفیل میشود
 وزیر دادگستری